



A Brief Introduction to the Six Books of Moelfa Hayat Tayyaba Based on the Change Document

Mohammad Najafi^{1*}, Qasim Muslimi²

1 Bachelor's student of Arabic Education, Farhangian Bandar Abbas University, Iran

2 Bachelor's student of Arabic Education, Farhangian Bandar Abbas University, Iran

* Corresponding author: nly835481@gmail.com

Received: 2024-09-26

Accepted: 2024-10-24

Abstract

The greatest and most important capital of any country is its human resources and the greatest capital of every family is the children of that family, all of whom are taught by a teacher to sow seeds of hope, politeness and wisdom in their existence, and it is clear that according to the rule of "nothing is given, no one is given". He can cultivate those virtues in his students that he himself had absorbed before. Undoubtedly, the position of the teacher is very important, but it seems that the existence of an official line that the teacher should follow and provide and provide the necessary training based on it is more important. Schools and thinkers have provided several definitions of the concept of education, but in the fundamental transformation document, education is "an interactive process that forms the basis for the formation and continuous improvement of the identity of educators in an integrated manner and based on the Islamic standard system, in order to guide them in the path of preparation for conscious and voluntary realization The stages of good life in all dimensions" (Theoretical Foundations of the Foundational Transformation Document, 1390: 129).

Keywords: Training, Education, Full-scale, Fundamental transformation document, Teacher

© 2023 Journal of Mental Health in School (JMHS)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Najafi, M & Muslimi, Q. (2024). A Brief Introduction to the Six Books of Moelfa Hayat Tayyaba Based on the Change Document. *JMHS*, 2(3): 169-182.





درآمدی مختصر از شش گانه مولفه حیات طیبه بر اساس سند تحول بنیادین

محمد نجفی^{۱*}، قاسم مسلمی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی رشته آموزش عربی دانشگاه فرهنگیان بندرعباس، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی رشته آموزش عربی دانشگاه فرهنگیان بندرعباس، ایران

* نویسنده مسئول: nly835481@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳

چکیده

بزرگترین و مهمترین سرمایه هر کشور نیروی انسانی آن کشور و بزرگترین سرمایه هر خانواده فرزندان آن خانواده است که همگی تحت تعلیم معلم قرار می گیرند تا در وجودشان بذر ادب و دانایی بکارند و پرواضح است که بر اساس قاعده فاقد الشيء لا يعطی، معلمی میتواند آن فضایل را در وجود شاگردانش پیرواند که قبل از آن خود متحلی به آنها شده باشد. گویی وجود خط رسمی که معلم بر اساس آن طی طریق کند و آموزش و تربیت لازم را بر اساس آن تامین و ارائه بدهد لازمت بیشتری دارد. یکی از ویژگی های اساسی موردتوجه در تعریف تربیت، ایجاد آمادگی در متربیان برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد است. این نظام معیار با انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری در همین زندگی دنیایی و در جهت تعالی آن، از سوی خداوند به انسان اعطا می شود و تحقق آن باعث دستیابی به غایت اصیل زندگی انسان، یعنی قرب الی الله خواهد شد. حیات طیبه ای که باید از دل سند تحول بنیادی سر بیرون بیاورد، سندی که نگارش و تصویب این سند می تواند برنامه ریزان و مجریان امور تربیتی کشور را از بحث های نظری گوناگون و بعضاً بی سرانجام در زمینه تربیت و شئون گوناگون آن رها ساخته و آنها را از حالت بلا تکلیفی و تردید خارج و به سمت گام های استوار در مسیر اجرای این سند تحولی رهنمون سازد و گام برداری بجهت ایجاد حیات طیبه را تسریع ببخشد. اما طراحی و تدوین سند تحول، گر چه شرط لازم برای ایجاد تحول است اما شرط کافی برای آن نیست باید با تعیین و توضیح دقیق روش های عملی پیاده سازی سند تحول در میدان عمل مدرسه آن را از روی کاغذ بکوچانیم و بر روی میدان عمل سگنا دهیم.

واژگان کلیدی: تربیت، آموزش، تمام ساحتی، سند تحول بنیادی، معلم

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه سلامت روان در مدرسه محفوظ است.

شبهه استناد به این مقاله: نجفی، محمد و مسلمی، قاسم. (۱۴۰۳) درآمدی مختصر از شش گانه مولفه حیات طیبه بر اساس سند تحول بنیادین. فصلنامه سلامت روان در مدرسه، ۲(۳): ۱۸۲-۱۶۹.

مقدمه

فرصت های محیط پیچیده و متغیر پیرامون خود به منظور کاهش نقص ها استفاده کنند. در شرایط متحول امروز سازمان ها برای بقا ناچارند پیوسته توانمندی ها و شایستگی های خود را توسعه دهند تا بتوانند پاسخگوی شرایط متغیر و متفاوت محیطی

در دنیای متغیر امروزی سازمان ها به منظور کنار نرفتن از دور رقابت های جهانی باید در فرایند مستمر و مداوم تغییر، خود را درگیر کنند تا بتوانند ضمن ایستادگی در برابر مسائل سازمانی از

باشند. در این میان، سازمان‌ها به ویژه سازمان‌های آموزشی باید خود را بر اساس اهداف از پیش تعیین شده نظام آموزشی خود منطبق ساخته و همگام با تغییرات محیطی به صورتی انعطاف پذیر پیش روند. تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی و حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم، متقی، آزاده و اخلاقی است. مدارس نهادهای اصلی تربیت در جامعه هستند زیرا که اولین نهاد عمومی، رسمی و آموزشی هستند که کودکان پا به آن می‌گذارند، همچنین بررسی‌های متعدد تاریخی نشان می‌دهد که تربیت شهروند نمونه و موثر برای یک جامعه همیشه از اهداف عالی نظام آموزش و پرورش بوده است و تقریباً تمام نظام‌های آموزشی برنامه‌های خود را در جهت ایدئولوژی‌شان پیش بینی و فلسفه حاکم بر این جامعه تدوین می‌کنند. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی و ایرانی است؛ تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات آن بصورت شفاف و دقیق برای همه اعضای دخیل در نظام آموزش و پرورش مشخص شده باشد. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است تا با الهام از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آن و توجه به هدف‌های راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و هدف‌های تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شد (جمشیدی و داوطلب پور، ۱۴۰۱). عرصه تعلیم و تربیت از مهمترین زیرساخت‌های تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمای انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است. مراد از تحول بنیادین در آموزش و پرورش فراهم آوردن زمینه‌های عمیق ریشه‌ای هم‌جانبه، نظام‌مند، کل‌نگر و آینده‌نگر مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و معارف اسلامی و متناسب با فرهنگ اسلامی ایرانی می‌باشد. تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی و تربیت دانش‌آموز تمام‌ساختی، مستلزم تلاش هم‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است (ادهم، ۱۳۸۰). قلمرو سند، عرصه‌های توسعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در آموزش و پرورش دربر می‌گیرد و برای آنها تعیین تکلیف می‌کند. این سند پایه، مالک و راهنمای تصمیم‌گیری‌های اساسی برای هدایت، راهبری، نظارت و ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور تحقق تحولات محتوایی و ساختاری است. تربیت از مهمترین دغدغه‌های بشری است که ریشه در هزاران نسل پیش دارد و آثار آن در نسل‌های بعدی به طور متوالی ادامه می‌یابد. سند تحول

بنیادین آموزش و پرورش در حقیقت برنامه راهبردی آموزش و پرورش برای تحول است (جمشیدی و داوطلب پور، ۱۴۰۱). مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در ارتباط با مقوله‌های مورد بررسی در این پژوهش اگرچه از نقاط قوت متعددی برخوردار است اما به برخی از موضوعات مهم و تعیین‌کننده نظیر بحث ترویج و توسعه فرهنگ ملی ایرانی، گسترش و تقویت زبان و ادبیات فارسی، توسعه مراکز فنی و حرفه‌ای و هنرستان‌های موسیقی، توجه به بحث هنرهای زیبا، موضوع آموزش آموزش زبان‌های خارجی و غیره به خوبی پرداخته نشده است؛ همین امر منجر به چالش‌های متعددی در مرحله اجرا و عملیاتی شدن این سند می‌شود. مصوب و تأیید شدن این سند در شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی را نیز می‌توان قدمی مهم در مسیر اجرای این سند تلقی نمود، چرا که این تصویب به منزله تعیین تکلیف اختلافات بی‌شمار نظری در حوزه موضوعات تربیتی است؛ تصویب این سند می‌تواند برنامه ریزان و مجریان امور تربیتی کشور را از بحث‌های نظری گوناگون و بعضاً بی‌سرانجام در زمینه تربیت و شئون گوناگون آن رها ساخته و آنها را از حالت بلاتکلیفی و تردید خارج و به سمت گام‌های استوار در مسیر اجرای این سند تحولی رهنمون سازد، هر چند که باب نقد و اصلاح همیشه باز خواهد ماند (دهقان زاده بغدادآبادی، ۱۴۰۲). در این راستا صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت جوامع مختلف اهداف متفاوتی را برای این امر ذکر کرده‌اند و این موضوع اگر چه ارائه توصیفی مشخص از اهداف تربیت را دشوار ساخته است اما بیانگر مهم بودن آن نیز است. به همین علت، در نوشتار حاضر، بیشتر استنادات به همین سند تحول بنیادین و مابقی نظری تحول بنیادین خواهد بود و از بحث‌های نظری اختلافی حتی المقدور اجتناب خواهد شد. همچنین بطور کلی نیز هدف از انجام این پژوهش تکیه بر بنیان نظری مشخص (سند تحول بنیادین) و ارائه راهکارهایی عملیاتی و قابل اجرا در میدان مدرسه، که این راهکارها در اثنا هیاهوی این سند، برای معلمان مَغفول مانده و آنها را در به‌اجرای درآوردن تربیت تمام‌ساختی عقب‌انداخته است. توضیح اصطلاحات پیش‌نیاز و مجموعه اهداف تبیینی هر ساحت و ارائه راهکار عملیاتی، محتوای هر یک از توضیح بخش‌های ساحت‌های شش‌گانه است که با دقت نظر و فیش برداری از مابقی کتب و مقالات به یک باره در این پژوهش جمع شده است تا به نقد صحیح مشاوران یونسکو جامعه عمل پیوسته: برخی کشورها و دولت‌ها فقط بر تهیه و تدوین سند و برنامه درسی و آموزشی تأکید می‌ورزند، بدون اینکه تمایل و سعی وافر در اجرایی نمودن عملی آن داشته باشند، گویی داشتن یک برنامه یا سند تحول - حداقل روی کاغذ - می

شد. روش انجام تحقیق، کار پشت میزی یا کتابخانه‌ای که از نظر هدف: (کاربردی) و از نوع کیفی: (تحلیل مضمون و ارائه راهکار) می‌باشد.

یافته‌ها

در این بخش، داده‌های پژوهش با روش‌های علمی و منظم مورد ارزیابی و ارائه قرار می‌گیرد. از این رو، طبق سیر: (روشن کردن تعریف واژه تربیت، بازگویی تعریف نظام معیار اسلامی، مبرهن کردن جایگاه معلم، ویژگی‌های مباحث تربیتی و در انتها معرفی و توضیح ساحت‌های شش‌گانه بر اساس سند تحول) پیش می‌رویم.

در ابتدا به بررسی تخصصی و جزئی ماهیت یا چیستی واژه‌های خاص خواهیم پرداخت. در توضیح یک مفهوم اولین گام پرده برداری از تعریف آن مفهوم تا نظر نگارنده و خواننده به بحث یکی شود و گویی اتفاق نظری سر خواندن مقاله و نتیجه حاصل شود. اولین واژه و تا حدودی پر استعمال ترین واژه کلمه تربیت است؛ تربیت چنین تعریف می‌شود که: پیچیدگی‌ها و گستردگی قلمرو تربیت صاحب نظران این حوزه را بر آن داشته است تا به منظور سهولت درک مفهوم تربیت و همچنین برنامه‌ریزی بهتر برای تحقق حد اکثری اهداف آن، در صدد تقسیم تربیت به ساحت‌های کوچک‌تر برآیند. از این رو، برخی برای آن ساحت‌هایی همچون ساحت بدن، ساحت ذهن، ساحت روح و ساحت رفتار قائل شده‌اند (موسوی و اعرافی، ۱۳۹۵، ص ۲۷). برخی دیگر نیز برای تربیت حوزه‌ها و ساحت‌هایی جزئی‌تر همچون ساحت زیستی - بدنی، اعتقادی - عبادی، اجتماعی - سیاسی، علمی - فن‌آوری، حرفه‌ای - اقتصادی و زیبایی‌شناختی - هنری متصور شده‌اند (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت ۱۳۹۰، صص ۱۵۷ - ۱۵۴). پر واضح است که چنین تقسیم‌بندی‌هایی به دلیل اعتباری و نسبی بودن جامع و مانع نبوده و به معنای ترسیم خطوط غیر قابل عبور میان ساحت‌ها و استقلال کامل آنها از یکدیگر نمی‌باشد (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰ ص ۱۵۹). به دیگر سخن، اجزا و عناصر تربیت چنان در هم تنیده‌اند و از همپوشانی و نزدیکی نسبی برخوردارند که نمی‌توان به سادگی آنها را از هم تفکیک نمود و هر یک را بدون در نظر گرفتن دیگری مورد بررسی قرار داد. این بدان معنی است که همه حوزه‌های تربیت با درجاتی از شدت و ضعف دارای تأثیر متقابل بر یکدیگرند و اینگونه نیست که به عنوان مثال، تربیت بدنی در تربیت عقلانی موثر نباشد یا تربیت اجتماعی متأثر از تربیت اعتقادی و هنری نبوده و یا در برخی فعالیت‌ها با هم همپوشانی نداشته باشند (دهقان زاده بغدادآباد، ۱۴۰۲). تعریف پیشنهادی توسط دکتر خسرو باقری در

تواند دستاویزی باشد برای درخواست منابع مالی بیشتر یا برای نشان دادن اینکه آنان نیز در زمینه تعلیم و تربیت مُنفعَل نبوده و کارهایی انجام داده‌اند (گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۸۹). بر طبق پژوهش‌های انجام شده چالش‌های متعددی گریبانگیر این مسئله شده و نه تنها اهداف سند اجرایی نشده‌اند؛ بلکه به عقیده برخی از صاحب نظران آموزش و پرورش کشور به آنها نزدیک هم نشده است زمانی که سخن از آموزش و پرورش و اجرای سند تحول در آن به میان می‌آید نظرها به سوی مدرسه، که نماد آموزش و پرورش است جلب می‌شود؛ در واقع در سند تحول نیز مدرسه، رکن تغییرکننده است چرا که به عنوان کانون تربیت و محیط یادگیری رسمی در سند تحول بنیادین تعریف شده است (حاجی بابایی، ۱۳۹۱). علاوه بر مابقی نکات، منظور همان نکته ظریفی است که بر ارائه نشدن راهکار عملی برای معلمان و مربیان اشاره دارد، وجود سند تحول یکی از شروط لازم و ارائه راهکارهای تبیینی و عملی برای معلمان نیز از دیگر شروط لازم و مهم است که با جمع مابقی شروط که فی الحال جای مطرح کردن آن نیست و به نسبت ارزش کمتری نسبت به دو شرط اول دارد، شرط کافی برای تحقق تربیت تمام‌ساحتی را ایجاد می‌کنند.

پیشینه پژوهش

نقش سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در تربیت دانش‌آموز تمام‌ساحتی جمشیدی و داوطلب پور، ۱۴۰۱). اهداف، روش‌ها و تکنیک‌های تربیت اجتماعی، سیاسی در دوره اول کودکی (دهقان زاده بغدادآباد، ۱۴۰۲) شناسایی شاخص‌های مدرسه برتر در سند تحول آموزش و پرورش (انتظاری و شریفی، ۱۴۰۰)

روش شناسی

روش شناسی، استراتژی، برنامه کار، فرایند یا طرحی است که در پشت انتخاب روش مورد استفاده مانده است و روش شناسی است که انتخاب و استفاده از آن، محقق را به نتایج مطلوب متصل می‌کند. چون تجزیه و تحلیل اطلاعات در اشکال مختلف غیر کمی یا غیر مقداری هستند، مداخله یا کنترلی از سوی محقق اعمال نمی‌شود. مدل تحلیل این پژوهش، تحلیل توصیفی است. پژوهش تحلیلی، پژوهشی است که بر اساس آن اطلاعاتی که از طریق بررسی اسناد، مدارک و کتب به دست آمده است گونه‌های ساماندهی می‌شود که به پرسش‌های پژوهش، پاسخ مناسب داده شود. به منظور رسیدن و اهداف پژوهش برای پاسخگویی به سوالات پژوهش از روش مطالعه کتابخانه‌ای، اسنادی و بررسی منابع چاپی و الکترونیکی استفاده

کتاب ارزشمند "نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی" ارائه شده است. با این توضیح که: "تربیت فرآیندی است تدریجی و تعاملی که در طی آن شخص تحت تربیت نهایتاً (نه لزوماً از ابتدا)، نه تنها به وضوح بداند چرا باید حیات طیبه را برای خود برگزیند، بلکه به دلیل دراختیار داشتن معیارهای تشخیصی مصداق های حیات طیبه از غیرآن، با اختیار و انگیزه درونی، مسیر صحیح رسیدن به مراحل بالاتر حیات طیبه را طی کند و در این مسیر، به نقد وضعیت موجود خود و جامعه هم بپردازد".

تعریف دیگر تربیت اینک: تربیت فرآیندی یاری رسان به مرتبی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری است که به واسطه عوامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعداد های او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت میگیرد (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۱). در کتاب مبانی نظری تحول بنیادین در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران که خود یک سند رسمی مصوب بالادستی محسوب می گردد، تربیت اینگونه تعریف گردیده است: "تربیت عبارت است از فرآیند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد". اما نهایتاً تعریف مورد نظر ما که بنیان این تحقیق نیز همان است، تعریفی است که در سند تحول بنیادی، صفحه ده این سند، بدین صورت جلوه کرده: "فرآیندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل گیری و پیشرفت جامعه صالح سلامی فراهم می آورد".

تعریف فوق حالت انحصاری نداشته و اینگونه نیست که تنها همین تعریف درست باشد و لا غیر، بلکه می توان با استفاده از مفاهیم اصلی و ایجاد روابط منطقی بین آن مفاهیم، تعاریف بسیار دیگری با واژه های متفاوت اما کم و بیش مشابه ارائه داد ولی تعریف مد نظر نگارنده برای این تحقیق تعریف صفحه ده سند تحول بنیادین یا آخرین تعریف در این بخش است.

تعریف نظام معیار اسلامی باید روشن و دقیق باشد زیرا پسوند نظام معیار بر آن سنگینی میکند. نتایج پژوهش نشان می دهند که تعلیم و تربیت در نظام معیار اسلامی بر اساس جهان بینی اسلامی به تعلیم و تربیت شکل گرفته است (عطایی و همکاران، ۱۴۰۲). این جهان بینی اسلامی به تعلیم و تربیت از دو جنبه نگاه می کند: جنبه انسانی و جنبه الهی. جنبه انسانی به نیاز

حیاتی انسان به آموزش اشاره دارد که از طریق تعلیم و تربیت می تواند به تکامل و کمال رسد. جنبه الهی به اهداف غایی تعلیم و تربیت اشاره دارد که از دیدگاه اندیشمندان مسلمان شامل حیات طیبه و سعادت حقیقی است؛ تعلیم و تربیت در نظام معیار اسلامی یک فرآیند هدایت و رشد انسان است که از طریق آموزش و پرورش میتواند انسان را به سوی حیات طیبه و سعادت حقیقی برساند (عطایی و همکاران، ۱۴۰۲). تعاریف گسترده ای برای نظام معیار اسلامی وجود دارد اما گویی بهترین، جامع و مانع ترین آن از نظر نویسنده مقاله همان تعریفی است که در سند تحول به شکل روبرو آمده است:

"نظام معیار اسلامی مبانی و ارزش های مبتنی بر دین اسلام ناب محمدی یا سازگار با آن، مُشتمل بر سلسله مراتبی از ارزشهاست که ناظر به همه ابعاد زندگی انسان است، زیرا دین اسلام به همه عرصه های امور اجتماعی و فردی، دنیوی و اخروی، مادی و معنوی زندگی بشر پرداخته است (نفی سکولاریسم) هر چند نسبت به پاره ای از این عرصه ها، به عرصه ی کلیات اکتفا و نسبت به بخشی دیگر، جزئیات را نیز ذکر کرده است". بدین ترتیب نظام معیار در اصل اصول و ارزش های نابی است که از اسلام ناب مشتق شده است.

تعریف تعلیم و تربیت رسمی و عمومی بدون اطاله کلام بدین گونه است: نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمان یافته که به عنوان مهم ترین عامل انتقال، بسط و اعتلای فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده سازی دانش آموزان جهت تحقق مرتبه ای از حیات طیبه در همه ابعاد را برعهده دارد که تحصیل آن مرتبه، برای عموم افراد جامعه شایسته باشد. دستیابی به این مرتبه از آمادگی برای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش آموزان (با تاکید بر وجوه مشترک انسانی، اسلامی و ایرانی) ضمن ملاحظه ویژگی های فردی و غیر مشترک و نیز در راستای شکل گیری و اعتلای مداوم جامعه صالح اسلامی مستلزم آن است که تربیت یافتگان این نظام شایستگی های لازم برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران را براساس نظام معیار اسلامی کسب نمایند.

گذاره دیگر، تعریف آموزش پرورش است که موتور محرک آموزش و تربیت در کشور، مرجع رسمی و اصلی تربیت انسان های مطابق نظام معیار و سند تحویل بنیادی است. تعریف مد نظر در این بخش: "وزارت آموزش و پرورش مهمترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ساحت های تعلیم و تربیت، قوام بخش فرهنگ عمومی و تعالی بخش جامعه اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمانهای دولتی و غیر دولتی است.

تعریف بالا است اما این تعریف بسیار عام و کلی است، جا داشت بسیار بیشتر به این تعریف پرداخته میشد تا جایگاه خطیر معلمان در به اجرایی درآوردن حیات طیبه تبیین و مشخص شود.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۹ آغاز و در سال ۱۳۹۰ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب نهائی رسیده است. تحقق ارزشها و آرمانهای متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است (شکوهی امیرآبادی و همکاران، ۱۳۹۷). تعریف سند تحول نزد ما بدین گونه است: "سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (شامل فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت رسمی عمومی و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران) سازگار و مستند به مضامین مندرج در آنها میباشد" (سند تحول بنیادی، ص ۱۵).

تعریف ساحت در لغتنامه فارسی معین به معنای خانه، درگاه و آستانه آمده است؛ ولی مقصود از ساحت در حوزه تعلیم و تربیت محدوده و دامنه ی خاصی است که مجموعه ای از رفتارها و فعالیت های تعلیم و تربیت در آن حوزه و دامنه قرار میگیرد. انسان موجودی دارای ابعاد و ساحت های مختلف است، از بینش ها گرایش ها و توانایی های مختلف برخوردار است و با دیگر موجودات جهان ارتباط غایی دارد و از آنها تأثیر میپذیرد و بر آنها تأثیر میگذارد (جمشیدی و داوطلب پور، ۱۴۰۱). تعریف موجود در سند تحول و همچنین مد نظر نگارنده: "ساحت های تعلیم و تربیت، ساحت های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران (تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت، زیبا شناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه) میباشد" (سند تحول بنیادی، ص ۱۱). این سری شش گانه از ساحت در این مقاله، اهداف و راه حل هایی اجرایی برایشان پیشنهاد میشود.

حیات طیبه در نظام تعلیم و تربیت ایران اهمیت زیادی دارد؛ حیات طیبه مفهومی جدید در حوزه تعلیم و تربیت است (فرمهبینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۷). فراوانی واژه حیات طیبه و جامعه صالح در فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲ مرتبه)، فراوانی واژه حیات طیبه در فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران (۵۷ مرتبه) و فراوانی واژه حیات طیبه در رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران (۷۱ مرتبه) است که دلالت بر اهمیت جایگاه حیات طیبه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران دارد (فرمهبینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۷). با توجه به نظرات متخصصان، معلم، نهاد، خانواده، محتوای برنامه های درسی، فعالیت های پرورشی و مدیران آموزشی به ترتیب به عنوان عناصر نظام تعلیم و تربیت

این نهاد مأموریت دارد با تأکید بر شایستگی های پایه، زمینه دستیابی دانش آموزان در سنین الزم التعلیم طی ۱۲ پایه (چهار دوره تحصیلی سه ساله) تحصیلی به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را بصورت نظام مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثر بخش فراهم سازد. انجام این مهم، نقش زیر ساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی خواهد داشت.

یکی از مهمترین عناصر موجود در نظام تعلیم و تربیت که نقش مهم و محوری در دستیابی به اهداف تربیتی و فراهم کردن زمینه کسب آمادگی در دانش آموزان برای تحقق حیات طیبه را دارد، (معلم) است. دلایل متعددی برای اهمیت جایگاه معلم در نظام تعلیم و تربیت بیان شده است. درحقیقت، این معلم است که نسل ها را به همدیگر ارتباط میدهد، فرهنگ جامعه را حفظ میکند و درصورت نیاز، تغییر میدهد و تکامل میبخشد. این معلم است که به رفتار دانش آموزان شکل میدهد و افراد مورد نیاز جامعه را تربیت میکند. از این رو به عقیده متخصصان آموزش و پرورش برنامه درسی، سازمان مدرسه و وسایل آموزشی هرچند که اهمیت خاص خود را دارند، اما در برابر اهمیت معلم، چندان ارزشی ندارند زیرا اوست که به همه آنان جان میبخشد و آنها را نتیجه بخش و سودمند می گرداند. بنابراین، به دلیل اهمیت زیاد جایگاه و نقش معلم در فرایند تعلیم و تربیت و به دلیل اینکه معلم نقش الگو برای دانش آموزان دارد و منش و اخلاق وی تأثیر زیادی در رفتار و برخوردهای دانش آموزان میگذارد، توجه به بحث تربیت معلم از اهمیت زیادی برخوردار میشود. باتوجه به این نقش الگویی و تأثیر معلم بر دانش آموزان، به نظر میرسد ابتدایی ترین و مهمترین اقدام برای فراهم کردن زمینه تحقق حیات طیبه در آموزش و پرورش، توجه به تربیت معلمی است که خود معتقد به اصول و پایبند به آموزه های دینی و برخوردار از مراتبی از حیات طیبه باشند تا بتوانند زمینه کسب آمادگی متریبان برای تحقق حیات طیبه را نیز فراهم کنند. نقش معلم (مربی) به عنوان هدایت کننده و اسوه ای امین و بصیر در فرایند تعلیم و تربیت و موثرترین عنصر در تحقق مأموریت های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی است (سند تحول بنیادی ص ۱۶). ارتقاء معرفت و بصیرت دینی، انقلابی و سیاسی برای رشد و تعالی معنوی و اخلاقی معلمان و دانش آموزان و مشارکت برای ارتقای معنوی خانواده (سند تحول بنیادی ص ۲۷). فی المجموع تعریف مد نظر ما از معلم و نقش وی بدین ترتیب است: معلم و مربی (مترادف هم بکار رفته است) به فردی اطلاق می شود که رسالت خطیر تربیت دانش آموزان را در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی بر عهده دارد (سند تحول بنیادی، ص ۱۲). تعریف ما از معلم برای این تحقیق،

سند برای اولین بانی مؤثر در بحث به حدوث رسیدن حیات طیبیه، یعنی معلم است.

برای شروع تبیین اهداف هر ساحت و ارائه راهکار عملی مؤثر، خوب است دو موضوع تبیین شود اول اینکه :

۱. متخصصان تربیت، هنگام صحبت از انقلاب آموزشی و تربیتی، عموماً دو تلقی را مورد نظر قرار می دهند : نخست، تلقی ابزارانگاران که در آن بهبود کارایی نظام تعلیم و تربیت هدف اصلی بوده و در نتیجه، طرفداران این تلقی به دنبال تغییر و دگرگونی در روش ها و ساز و کارهای سنتی تعلیم و تربیت در سایه فناوری های جدید می باشند. دوم، تلقی غیر ابزاری یا تمدن ساز که به دنبال بهبود اثر بخشی نظام تربیت است و از این رو، حامیان این تلقی در صددند ابتدا تعریفی نو از تربیت یافتگی یا ویژگی های انسان فرهیخته متناسب با زمان و جامعه ارائه دهند و سپس تغییر و تحولات تربیتی را در همان راستا اعمال کنند (دهقان زاده بغدادآباد، ۱۴۰۲) تأمل در محتوای سند تدوین شده برای تحول بنیادین در آموزش و پرورش و همچنین بررسی مبانی نظری این تحول حاکی از آن است که طرحان این سند به دنبال انقلاب آموزشی از نوع غیر ابزاری (یعنی تلقی دوم) بوده و هستند. این سند و برنامه تحولی، همانگونه که از نامش نیز هویداست، به دنبال تحول و بهبود اثربخشی نظام تعلیم و تربیت و در یک کلام تمدن سازی است (دهقان زاده بغدادآباد، ۱۴۰۲). پس حصول میشود تعریفی در خور از تربیت و چگونگی تربیت برای موضوع دوم تبیین شود.

۲. در بحث اول موضوع دوم، چند مولفه اصلی تربیت را نام ببریم و توضیح دهیم. تربیت واقعا تربیت نیست مگر این که دارای مولفه تبیین گری باشد، یعنی هرگاه ایجاد تغییرات مطلوب در افراد با تبیین همراه باشد به نحوی که متربی (یا دانش آموز) خود منطق، منافع و علت آن تغییرات را به درستی و به واقع درک کرده باشد، می توان ادعا نمود نخستین خصیصه تربیت در او آشکار شده است ((فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران) به زبان ساده، دهقان زاده بغدادآباد). (مثال: دانش آموز از درون خود علت نماز خواندن را منطقی درک کند). دومین خصیصه یا مولفه تربیت واقعی ویژگی ارائه معیار است. این ویژگی، در واقع ادامه و بسط ویژگی قبلی است. آنچه در ویژگی قبلی مطرح بود روشن ساختن دلیل و حکمت رفتارخاص یا یادگیری مطلبی خاص بود. اما در اینجا، سخن از قواعد و معیارهاست، یعنی استانداردها و شاخص هایی که با استفاده از آنها یک فرد بتواند رفتارها را بسنجد و رفتار صحیح را از ناصحیح و مطلوب را از نامطلوب چه در نزد خود و یا نزد دیگران و حتی مربی تشخیص دهد ((فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران) به زبان ساده، دهقان زاده بغدادآباد). (مثال: متربی معیار

در فراهم آوردن تحقق حیات طیبیه نقش دارند. نظریه اینکه غایت تربیت در سند تحول بنیادین تعلیم و تربیت ایران که برگرفته از مبانی تعلیم و تربیت اسلامی است و در راستای غایت زندگی انسان (قرب الی الله و حرکت به سوی خدا) عنوان شده است، لذا نیل آدمیان به قرب الی الله نیز مستلزم تحقق اختیاری نوعی زندگی شایسته انسان براساس نظام معیار دینی است که "حیات طیبیه" نام دارد. برهمین اساس، دستیابی به مراتبی از حیات طیبیه، آرمان جامعه بشری است. ازاین رو، دستیابی به مراتب آن برای متربیان و مربیان محور اساسی مبانی نظری تحول بنیادین در نظر گرفته شده است (مهدوی هزاه و همکاران، ۱۳۹۵). در مبانی نظری سند تحول تعلیم و تربیت نیز تحقق حیات طیبیه به عنوان وسیله دست یابی به غایت زندگی انسان یعنی قرب الی الله مطرح شده است. ازاین رو، واژه حیات طیبیه، ارتباط نزدیکی از لحاظ معنایی با واژه جامعه صالح دارد که در سند تحول به عنوان جلوه اجتماعی حیات طیبیه معرفی و درحقیقت تحقق آن نیز باعث دستیابی اعضای جامعه به قرب الی الله میشود (فرمهبینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۷). و اما حال تعریف ما از حیات طیبیه به شرح زیر است : "حیات طیبیه وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، بر اساس نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزشهای مقبول دین الهی) است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی یعنی قرب الی الله خواهد شد. اینگونه زندگانی مستلزم ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی و تشدید رابطه با او در همه شئون فردی و اجتماعی زندگی است که باید بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه ی نظام معیار مناسب با دین اسلام باشد. بنابراین، یکی از مشخصات اصلی حیات طیبیه، تکیه بر ارزش غایی زندگی - قرب الی الله - و نظام معیار متناسب با آن یعنی مبانی و ارزش های مقبول دین اسلام است (سند تحول بنیادی، ص ۱۳).

حال که جایگاه و نقش هر مولفه تا حدود زیادی تبیین و روشن شد با در نظر گرفتن تمامی مطالب بالا بعنوان بنیان تحقیق وقت آن رسیده تا با مشتق کردن ستون تفکر از سطور بالا هر ساحت را هدف بندی کرده و راه حل عملیاتی و قابل اجرا برای بلفعال کردن آنها پیشنهاد بدهیم، همانطور که در بالا هم گفته شد بر اساس نظر متخصصان به ترتیب، معلم، نهاد و خانواده است که در بوجود آوردن حیات طیبیه نقش پر رنگی دارند. حال که تمامی عوامل برای ایجاد حیات طیبیه فراهم است (فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، وجود ساحت های مشخص و سند تحول اساسی برای دستیابی به حیات طیبیه و...) به چه علت تمامی این سخن ها روی زمین مانده و در وادی عمل انجام نشده است ؟ به عقیده نگارنده این مقاله، حلقه مفقوده این سیر تربیتی، تبیین سیر و مولفه های

کرد و اگر نکرد، حتما باطن او آنگونه که باید تغییر نکرده است. مبنای چهارم : تشکیل و ظهور شخصیت انسان به صورت تدریجی است : مطابق این مبنا، اعمال و رفتارها یا همان ظاهر انسان از سویی و افکار و نیت ها یا همان باطن او از سوی دیگر، در یک تأثیر و تأثر مستمر و ادامه دار بر هم دیگر، حاصلی به بار می آورند که به تدریج در اعماق درون نشست می کند و رفته رفته با رسوب بیشتر سخت تر و مستحکم تر می شود و این همان چیزی است که ما آن را شخصیت یا منش یا شاکله می نامیم. مبنای پنجم : شرایط محیطی (زمانی و مکانی) بر انسان تأثیرگذار است : مطابق این مبنا، آدمی در وضعیت های مختلف محیطی در معرض حالات، احساسات و افکار معینی قرار می گیرد. در حقیقت، وضعیت های متفاوت زمانی و مکانی می توانند آثار متفاوتی بر او بگذارند. (فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران) به زبان ساده، دهقان زاده بغدادی (آید).

بعد از بازنویسی مطالب فوق که گویی لازم بود برای درک همه جانبه سطور پایین، بحث هدف شناسی و ارائه یک راهکار عملی برای هر ساحت را در ذیل عرض میکنیم. فرآیند تعلیم و تربیت در تمام ساحت های تعلیم و تربیت شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیبا شناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه ای، تعلیم و تربیت علمی و فناوری است که بترتیب شرح هر ساحت، هدف بندی و راهکار عملی برای معلمان در زیر ارائه میشود.

ساحت تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی : زمینه سازی کسب شایستگی های پایه - با تأکید بر خصوصیات مشترک اسلامی - ایرانی و انقلابی، در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی (سند تحول بنیادی). بصیرت و تعالی در زمینه های گوناگون عبادی - اخلاقی، اعتقادی، سیاسی اجتماعی فرهنگی (سند تحول بنیادی). ناظر به رشد و تقویت مرتبه ی قابل قبولی از جنبه ی دینی و اخلاقی حیات طیبیه در وجود متربیان و شامل تدابیر و اقداماتی که جهت پرورش ایمان و التزام آگاهانه و اختیاری متربیان نسبت به مجموعه ای از باورها، ارزش ها، اعمال و صفات اعتقادی و اخلاقی و در راستای تکوین و تعالی هویت دینی و اخلاقی ایشان صورت می پذیرد. لذا قلمرو ساحت تربیت اعتقادی عبادی و اخلاقی ناظر بر خود شناسی و معرفت نسبت به خداوند متعال، معاد، نبوت و پذیرش ولایت رهبران دینی و پیروی از ایشان است (جمشیدی و داوطلب پور، ۱۴۰۱). بنابراین اهداف کلی تربیت در این ساحت را می توان به این صورت خلاصه کرد :

۱. تعمیق تقوای الهی و مهارت خویششننداری،

کار خوب و بد را بداند، بعنوان نمونه متربی بداند کاری که باعث آبروریزی فردی میشود بد و عکس این کار خوب است). سومین مؤلفه مهم در تربیت حقیقی، ویژگی تحرک درونی خود دانش آموز است. این ویژگی نیز بی ارتباط با دو ویژگی پیشین نیست. تربیت حقیقتاً تربیت نمی شود، مگر اینکه موتور محرک دانش آموز در درون خودش وجود داشته باشد و او با شوق و اختیار و میل درونی تن به کاری دهد، نه این که از بیرون محرکی او را با اکراه وادار و مجبور به حرکت نماید. (فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران) به زبان ساده، دهقان زاده بغدادی (آید). (مثال : محرک نماز خواندن یک دانش آموز درونی باشد و نه از سر اتفاقات بیرونی و محرک های بیرون، زیرا محرک درونی استوار تر و منطقی تر است). با وجود سه مؤلفه پیشین، انتظار مؤلفه چهارمی را نیز می توان داشت و آن ویژگی یا مؤلفه نقادی است. وقتی شخصی به آگاهی های لازم دست یافت و معیارها و انگیزه را نیز در اختیار داشت، به طور طبیعی روحیه نقادی در او پدیدار خواهد گشت، نقادی از خود و خصوصاً نقادی از مربی، والدین و به طور کلی نقادی از نسل گذشته خود. نقد و نقادی از جمله خصوصیات بسیار مهم در فرایند تربیت است، زیرا دو سویه بودن امر تربیت را به وضوح مجسم می سازد. (فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران) به زبان ساده، دهقان زاده بغدادی (آید). مثال: دانش آموز نسبت به چرایی نماز نخواندن مربی انتقاد میکند. در بحث دوم از موضوع دوم نیز لازم است به برخی از مبانی تربیت انسانی بر اساس دیدگاه اسلام که کمک کننده به بحث تبیین اهداف حیات طیبیه است، اشاره کنیم.

مبنای اول: وسع و توانایی انسان ها در تربیت پذیری گوناگون است : مطابق این مبنا، گر چه آدمیان همگی گوهر یکسان دارند، اما امکانات درونی و بیرونی یکسانی ندارند، یعنی این ویژگی مبرهم میکند که هیچ یک چون دیگری نیست و هر کس در پایه و جایگاه معینی قرار گرفته و وسع خاص خود را دارد. مبنای دوم : ظاهر انسان بر باطن او تأثیر گذار است : مراد از ظاهر، همه امور قابل مشاهده ای است که از انسان سر می زند مانند رفتار و ویژگی های جسمی و بدنی. منظور از باطن، شئونی است که قابل مشاهده نیستند، همچون فکر و نیت و خلق و خوی. بر اساس این مبنا، هر گاه بر ظاهر و پیکر انسان نقشی نمودار گردد و به طور نسبی ادامه یابد، به تدریج سایه ای با رنگ و بوی خود در باطن انسان نمودار و ماندگار خواهد شد. مبنای سوم : باطن انسان نیز بر ظاهر او تأثیر گذار است : درست است که ظاهر بر باطن تأثیر می گذارد، اما چنین نیست که باطن منفعل باشد. این مبنا بدین معناست که اگر تغییری در باطن کسی رخ دهد، در ظاهر او نیز کم و بیش ظهور پیدا خواهد

پدری و مادری نیز توجه جدی می شود (جمشیدی و داوطلب پور، ۱۴۰۱). بنابراین اهداف کلی تربیت در این ساحت را می توان به این صورت خلاصه کرد :

۱. توانمندی دانش آموزان مناطق محروم، پرورش روحی تولی و تبری،
۲. پرورش روحیه پاسداری از قداست و روابط خانواده بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی،
۳. پرورش روحی برادری و تعاون اسلامی و همبستگی ملی و فرهنگی و تقویت آن،
۴. پرورش روحیه مسئولیت پذیری و مشارکت در فعالیت های دینی فرهنگی و اجتماعی،
۵. پرورش سع صدر و تحمل آرا در برخورد اندیشه ها و آشنایی با نهاد های سیاسی و اقتصادی،
۶. طراحی و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیاز ها و نقش دختران و پسران،
۷. آموزش توانایی ارتباط مناسب با دیگران، خانواده، دوستان، همسایگان و...
۸. ترویج پاکیزگی، وقت شناسی، اطاعت و احترام به بزرگان،
۹. آشنایی با قهرمانان ملی، اسطوره های ملی، رهبران ملی مذهبی، و افزایش مشارکت عمومی در امور کشور.

راهکارهایی عملیاتی برای بفعول در آوردن حدودی این ساحت :

۱. تقویت آگاهی و بینش سیاسی و اجتماعی دانش آموزان از طریق برگزاری دوره های آموزشی ضمن کلاس با استفاد شدن از اساتید توانمند و ارائه مطالب مفید و سودمند،
۲. نهادینه سازی و تقویت همکاری مدرسه با مراکز فرهنگی و سیاسی به ویژه مسجد و کانون های مذهبی و حوزه های علمیه و مشارکت فعال مدیران، معلمان و دانش آموزان در برنامه های مرتبط محله و نیز حضور نظام مند و اثر بخش روحانیون توانمند و مبلغان مذهبی در مدارس،
۳. آموزش جایگاه خانواده با استفاده از کتب مرتبط به این موضوع.

ساحت تعلیم و تربیت زیستی بدنی : سلامت جسمانی، نشاط و تقویت اراده (سند تحول بنیادی). با درک مفاهیم بهداشت فردی و اجتماعی و مسائل زیست بوم طبیعی و شهری به منزله امانات الهی، شایستگی حفظ و ارتقای سلامت فردی و بهداشت محیطی را کسب میکنند و با ورزش و تفریحات سالم فردی و گروهی، به نیازهای جسمی و روانی خود و جامعه بر اساس اصول برگرفته از نظام معیار اسلامی، پاسخ میدهند (سند تحول بنیادی). ارائه خدمات مشاوره های - تربیتی در کلیه سطوح تحصیلی برای افزایش سلامت جسمی و روحی دانش آموزان (سند تحول بنیادی). ساحت تربیت زیستی و بدنی بخشی از

۲. تقویت شایستگی های اعتقادی و اخلاقی،
۳. تقویت ایمان و بصیرت دینی،
۴. تقویت آداب و سبک زندگی اسلامی،
۵. پذیرش آزادانه و آگاهانه دین اسلام،
۶. تلاش مداوم جهت ارتقای ابعاد معنوی و وجودی خویش و دیگران.

راهکارهایی عملیاتی برای بفعول در آوردن حدودی این ساحت :

۱. برگزاری اردو ها و فعالیت های برون مدرسه به ویژه در مساجد و کانون های فرهنگی و مذهبی،
۲. استفاده از ایام مناسب مانند ولادت ها و شهادت ها و برگزاری مراسمات آگاهی بخشی، نشاط انگیز و استفاده از سخنور های حرفه ای همسو با علاقه دانش آموز بجهت تبیین سازی برای دانش آموزان،
۳. شرکت دسته جمعی در محافل علمی، مذهبی، دینی بجهت فراهم آوردن زمینه اعتقادی و اخلاقی.

ساحت تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی : بصیرت و تعالی در زمینه های گوناگون عبادی - اخلاقی، اعتقادی، سیاسی اجتماعی فرهنگی (سند تحول بنیادی). کرامت ذاتی و اکتسابی انسان و کسب فضایل اخلاقی از جمله: ایمان، تقوا، تولی و تبری، عمل صالح، خودباوری، روحیه مجاهدت، ظلم ستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری (سند تحول بنیادی). تکوین و تعالی جنبه های انسانی هویت دانش آموزان برای تقویت روابط حق محور، عدالت گستر و مهرورزانه با همه انسانها در سراسر جهان (سند تحول بنیادی). صیانت از وحدت ملی و انسجام اجتماعی با محوریت هویت مشترک اسلامی - ایرانی، وطن دوستی و افتخار به ارزش های اصیل و ماندگار اسلامی - ایرانی و اهتمام به برپایی جامعه مهدوی، مسئولیت پذیری همه جانبه، مشارکت اجتماعی و داشتن روحیه جمعی و مهارت مورد نیاز جامعه (سند تحول بنیادی). ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر بر کسب شایستگی هایی است که متربیان را قادر می سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. جهت گیری ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی تربیت برای عضویت فضیلت مدارانه در خانواده صالح و جامعه صالح است. ارتباط با خانواده یکی از اساسی ترین مولفه های ارتباطی است که در شکل گیری بنیاد های هویت انسان ها نقشی انکار نشدنی دارد. بر این اساس زندگی خانوادگی، آمادگی برای آن و شکل گیری و تداوم این کل از حیات اجتماعی از مؤلفه های اصلی و اساسی تربیت اجتماعی است. در تربیت رسمی و عمومی صرف نظر از تاکید بر شایستگی های پایه به نقش های جنسیتی مانند نقدش

خلق آثار فرهنگی و هنری را به دست می‌آورند و برای حفظ و تعالی میراث فرهنگی، تمدنی و هنری در سطح ملی و جهانی براساس نظام معیار اسلامی می‌کوشند (سند تحول بنیادی). ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر بر قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی متربیبان یعنی توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی مادی یا معنوی، قدرت خلق آثار هنری و قدردانی از آثار و ارزش‌های هنری است. (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). بنابراین اهداف کلی تربیت در این ساحت را می‌توان به این صورت خلاصه کرد:

۱. بهره‌گیری از قدرت تخیل خود در خلق و ایجاد آثار هنری با هدف حفظ تعالی هنر ایرانی و اسلامی،
۲. طراحی و ارائه الگوی لباس و پوشش، ترویج فرهنگ عفاف با در نظر گرفتن سلیقه روز،
۳. ساخت بنای مدارس بخصوص نمازخانه‌ها با الگوی ایرانی اسلامی،

۴. درک معنای پدیده‌ها و هدف رویدادهای طبیعت و هستی،
۵. درک زیبایی‌های جهان و بهره‌گیری از قدرت تخیل خود در خلق آثار جدید.

راهکارهای عملیاتی برای بفعول در آوردن حدودی این ساحت:

۱. برگزاری تورهای موزه‌گردی و باستان‌شناسی، همایش‌گردی،
۲. بازدید از مکان‌های تاریخی و باستانی،
۳. برگزاری کلاس‌های آشنایی با فرهنگ ایرانی اسلامی،
۴. ترویج سبک‌های اسلیمی مخصوصاً در مدارس فنی حرفه‌ای در دروس عملی و طراحی.

ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای: تقویت و نهادینه‌سازی مشارکت‌اثربخش و مسئولیت‌پذیری مردم، خانواده و نهادهای اقتصادی، مدیریت شهری و روستایی و بنیادهای عام‌المنفعه در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (سند تحول بنیادی). روحیه کارآفرینی، کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی و هنری زمینه‌ساز کار مولد (سند تحول بنیادی). جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت‌های تعلیم و تربیت (سند تحول بنیادی). ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر بر یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی یعنی بعد اقتصادی و معیشتی انسان‌هاست. لازمه وجود رفاه و توانایی کسب بالای درجات علمی تا حدود زیادی زیر سایه بعد مالی و اقتصادی است که حاصل می‌شود. این ساحت ناظر به رشد توانایی‌های متربیبان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای است امری نظیر درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، التزام به

جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر بر حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متربیبان در قبال خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت است (جمشیدی و داوطلب پور، ۱۴۰۱). بنابراین اهداف کلی تربیت در این ساحت را می‌توان به این صورت خلاصه کرد:

۱. کوشش مداوم فردی و جمعی برای حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت بر اساس نظام معیار اسلامی (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ۱۳۹۰)
۲. درک ویژگی‌های زیستی خود و پاسخ‌گویی مسئولانه به نیازهای جسمی و روانی خویش،
۳. کوشش و حرفه‌ای شدن در ورزشی خاص برای افزایش سلامت و استفاده از توانایی کسب درآمد،
۴. بصیرت داشتن به سبک زندگی ایده‌آل و ارزیابی پیامدهای آن،

۵. تلاش برای گرایش به ورزش و دوری از دخانیات،
۶. تلاش فردی و جمعی برای حفظ و ارتقای سلامت و ایمنی افراد جامعه.

راهکارهایی عملیاتی برای بفعول در آوردن حدودی این ساحت:

۱. قوت بخشیدن به زنگ‌های ورزش و برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری برای آن،
۲. برگزاری لیگ‌های فوتبال و والیبال و... درون مدرسه‌ای بجهت ترویج فرهنگ ورزش،
۳. برگزاری اردوهای فرهنگی و ورزشی در اردوگاه‌ها و اهدای هدیه به برگزیدگان بجهت تشویق این عمل صالح،
۴. بروزرسانی و محیا کردن تجهیزات ورزشی مناسب و حرفه‌ای برای فراهم آوردن وسایل در خود مدرسه که دانش‌آموز به بیرون از مدرسه متکی نباشند.

ساحت تعلیم و تربیت زیبایی‌شناختی و هنری: مدرسه به عنوان کانون تعلیم و تربیت رسمی عمومی و محل کسب تجربه‌های تربیتی (سند تحول بنیادی). جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت‌های تعلیم و تربیت (سند تحول بنیادی). لازم است به تمامی ساحت‌ها توجه ویژه کنیم و یکی را بر دیگری ارج ننهیم که همگی دارای ارزش هستند. تمامی مکان‌هایی که انسان برای تامین خواسته خود در فراگیری، از آنها استفاده میکند، مدرسه نام دارد و این مکان‌ها تنها برای یادگیری عقاید و نظرات نیستند، بلکه برای فهم و ادراک دلایل وجود هر چیز و مناسبت‌های دو جانبه و روابط بین انسان و طبیعت نیز استفاده می‌شود. با قدرشناسی و درک زیبا شناسانه آفرینش الهی و مصنوعات هنرمندانه بشری، درک مفاهیم فرهنگی و میان فرهنگی و بهره‌گیری از قدرت تخیل، توانمندی‌های لازم در

۶ آموزش مهارت های افزایش تحمل شکست ایده ها و خسته نشدن در راه به ثمر رسیدن اهداف،

۷. آموزش تکنیک های ایده یابی و حل مسئله،

۸. آموزش به روش ایفای نقش؛ در این روش، فراگیران در نقش هایی قرار میگیرند و از آنان خواسته میشود تا مأموریت های محوله را آنگونه که تصور میکنند درست است انجام دهند. سپس، کار درست را از طرق مختلف برایشان نشان میدهند. این روش غالباً آموزش های مهارت محور یا نگرش محور توصیه میشود. در حوزه کارآفرینی، آموزش قابلیت هایی مانند ارتباطات، مذاکره، گوش دادن، استخدام، اخراج، انگیزش و مانند آن به خوبی قابل ارائه توسط این روش است (مهرابی، ۱۳۹۶).

ساحت تعلیم و تربیت علمی و فناورانه: ارج نهادن به دستاوردهای علمی و تجربه های بشری در چارچوب نظام معیار اسلامی و بسترسازی برای دستیابی به مرجعیت علمی جهان (سند تحول بنیادی). ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی (سند تحول بنیادی). گسترش و تعمیق فرهنگ پژوهش و ارزشیابی، خلاقیت و نوآوری، نظریه پردازی و مستند سازی تجربیات علمی - تربیتی بومی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (سند تحول بنیادی). بهره مندی هوشمندانه از فناوری های نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی (سند تحول بنیادی). ایجاد انعطاف در برنامه های درسی تربیت معلم متناسب با تحولات علمی و نیازهای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با تأکید بر رویکرد تلفیقی و به روز رسانی توانمندی های تربیتی و تخصصی معلمان (سند تحول بنیادی). جایگاه و نقش تعلیم و تربیتی، نهاد رسانه و فناوری های ارتباطی و بهره گیری هوشمندانه از آن و مواجهه فعال و آگاهانه جهت پیشگیری و کنترل آثار و پیامدهای نامطلوب آن (سند تحول بنیادی). برخورداری از بهره فناوری آموزشی در سطح معیار؛ با توجه به طیف منابع و رسانه های یادگیری (شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات). بهره مندی هوشمندانه از فناوری های نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی (سند تحول بنیادی). طراحی و ساخت فضاهای تربیتی متناسب با اقتضات برنامه درسی، استانداردهای تربیتی، تحولات جمعیتی، اصول شهرسازی و معماری و شرایط اقلیمی با تأکید بر استفاده از فناوری های نوین ساخت و تجهیزات آموزشی و رعایت الگوی معماری اسلامی - ایرانی و توجه ویژه به نقش محوری نمازخانه در طراحی و معماری اسلامی (سند تحول بنیادی). ارتقای کیفیت فرایند تعلیم و تربیت با تکیه بر

اخلاق حرفه ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره وری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار و احکام معاملات و التزام به اخلاق و ارزش ها در روابط اقتصادی (جمشیدی و داوطلب پور، ۱۴۰۱). ارزش بیشتر این ساحت را میتوان از کلام گوهر بار امام صادق^ع نیز درک کرد. آن حضرت کار و تلاش در راه تأمین نیازهای ضروری زندگی را همسان با جهاد در راه خدا قلمداد می کرد و می فرمود: «الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله» (۱) آن که برای تأمین معاش خانواده اش تلاش کند، همانند رزمنده در راه خدا است. « بنابراین اهداف کلی تربیت در این ساحت را می توان به این صورت خلاصه کرد:

۱. ایجاد روحیه کار آفرینی و اشتغال،
 ۲. کسب شایستگی های عام حرافه ای در دبیرستان های نظری و خاص حرفه ای در هنرستان ها،
 ۳. تلاش فردی و جمعی برای تحقق غنا، کفاف، عمران، رشد استقلال اقتصادی، حفظ و پیشرفت ثروت ملی، افزایش بهره وری، تأمین رفاه عمومی و بسط عدالت اقتصادی. (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ۱۳۹۰)
 ۴. تدبیر امر معاش و زندگی اقتصادی، درک و فهم مسائل اقتصادی خود و جامعه و تلاش برای بهبود،
 ۵. یادگیری و مراعات قوانین و احکام معاملات و التزام به ارزش های اخلاقی،
 ۶. کسب شایستگی های لازم جهت تکوین و تعالی مداوم هویت حرفه ای،
 ۷. تذکر برای دوری از اهمال کاری و توجه به بحث کسب روزی حلال و تلاش برای کسب درآمد پاک.
- راهکارهایی عملیاتی برای بفعول در آوردن حدودی این ساحت:
۱. افزودن بخش هایی با موضوع کارآفرینی در کتاب های درسی در پایه ها و رشته های مختلف،
 ۲. آموزش مسئولین آموزش و پرورش به ویژه دبیران در زمینه ی اهمیت کارآفرینی و نقش آن در جامعه و روش های آموزش و یادگیری آن برای دانش آموزان،
 ۳. برگزاری مراسمات و جشن ها مختلف، به بهانه ی ترویج آموزش کارآفرینی در مدارس، با دعوت کردن از کارآفرینان موفق که سابقاً دانش آموز بوده اند،
 ۴. آموزش فعالیت های میدانی و عملی کارآفرینی به جای آموزش های تئوری،
 ۵. افزایش مهارت در کارهای تیمی با استفاده از آموزش های کارآفرینی در مدارس،

ها را تشخیص و تلاش برای عملی کردن آنها کند. در وهله دوم و بعد از تدوین سند تحول، خوب است سعی وافری در تبیین این سند برای معلمان (چه معلمان رسمی، چه دانشجو معلمان و مخصوصاً معلمان استخدامی از طریق ماده ۲۸) شود تا خط مشی تربیت مشخص شود و آینده سازانی تراز با سند تحول تربیت کنند نه تراز با فلسفه تربیت شخصی خود.

بحث و نتیجه گیری

فلسفه های تربیت را با توجه به گستره، اهداف و مأموریت هر یک از آنها می توان به چند دسته تقسیم نمود: فلسفه تربیتی عام، فلسفه تربیتی علمی، فلسفه تربیتی شخصی، فلسفه تربیتی یک مدرسه یا موسسه و فلسفه تربیتی یک جامع. نبود یک خط و سیر مشخص برای تربیت نسل جدید علاوه خطر های زیادی که دارد، میتواند گفت بدترین آسیبی که قادر است وارد کند این است که بجای روی کار آمدن فلسفه تربیتی جامع، فلسفه تربیت شخصی روی کار بیاید. فلسفه تربیتی جامع، که فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران را می توان در زمره آن به حساب آورد، به دنبال طراحی برنامه کلان تربیتی نه برای همه کشورها، بلکه برای یک جامعه خاص با ویژگی های خاص و در یک دوره زمانی خاص می باشد. حال با وجود این خط و مشی حرکت تربیتی، اما باز هم شاهد این هستیم که به علت تبیین نشدن این فلسفه و هدف بصورت دقیق برای معلمان و مربی ها، فلسفه های تربیتی شخصی و مدرسه ای در مدرسه ها و آموزشگاه ها حاکم است. فلسفه های تربیتی شخصی، همانگونه که از نام آن نیز مشخص است مشتمل بر دیدگاه های فردی و شخصی هر فرد راجع به ماهیت و مراحل تربیت است، که باعث جلوگیری از شکل گیری یک کل تربیتی واحد میشود و همچنین فلسفه تربیتی موسسه یا مدرسه نیز بیانگر دیدگاه ها و آرزوهای تربیتی برخی افراد همفکر می باشد که با توافق و همکاری با یکدیگر یک موسسه تربیتی یا مدرسه را راه اندازی نموده و اهداف خاص تربیتی را برای موسسه خود دنبال می نمایند. علت این ادعان همگانی بر عمل نشدن به سند تحول بنیادی بسیار ساده است، تا هنگامی که فلسفه های تربیتی شخصی و مدرسه ای در مدارس و آموزشگاه ها حاکم باشد و سند تحول و فلسفه تربیت جامع نیز فقط در مرحله تصویب و ابلاغ و بدون تبیین گری و روشن سازی بماند، بدیهی است که در مدارس گسترش پیدا نمیکند، زیرا برای معلمان مدارس گسترش پیدا نکرده است این اسناد به تصویب رسیده. پس نیکو است که تربیت را یک امر تصویبی و ابلاغی نبینیم و خط و رسم کشیدن برای تربیت را برای تمامی ارکان و اجزا روشن و واضح کنیم. به بنظر میرسد اگر قصد رسیدن به یک بازدهی

استفاده هوشمندانه از فناوری های نوین (سند تحول بنیادی). ایجاد شبکه ی پژوهشی فعال و فراگیر در درون ساختار نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با استفاده از فناوری های نوین در قالب شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (سند تحول بنیادی). برخورداری از بهره فناوری آموزشی در سطح معیار با توجه به طیف منابع و رسانه های یادگیری (حاجی بابایی، ۱۳۹۱). استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، ناظر به کاربرد فناوری در ابعاد نرم افزاری و سخت افزاری است و به تعیین تکلیف برای رسانه ها و ابزارهای تسهیل کننده یادگیری و توانمندسازی آن میپردازد (حاجی بابایی، ۱۳۹۱). ساخت تربیت علمی و فناوری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر بر کسب شایستگی ها صفات، توانمندی ها و مهارت هایی است که متریبان را در شناخت و بهره گیری و توسعه نتایج تجارب متراکم بشری در عرصه علم و فناوری یاری میکند تا براساس آن متریبان قادر شوند با عنایت به تغییرات و تحولات آینده نسبت به جهان هستی و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت، بینشی ارزش مدار کسب کنند (جمشیدی و داوطلب پور، ۱۴۰۱). بنابراین اهداف کلی تربیت در این ساخت را می توان به این صورت خلاصه کرد:

۱. شناختن دستاورد های علمی کشور و بالیدن به آنها،
 ۲. تلاش برای دستیابی به مرجعیت علمی،
 ۳. گسترش روحیه پژوهش در نوجوانان بجهت تلاش در راه تولید علم،
 ۴. استفاده از فناوری های نوین در مدارس بجهت تسهیل یادگیری،
 ۵. بهره گیری و ارزیابی از یافته های علمی و فناورانه و ایجاد خلاقیت و نوآوری در آن ها.
- راهکارهایی عملیاتی برای بفعول در آوردن حدودی این ساخت:
۱. برگزاری اردو های علمی و بازدید از اماکن علمی،
 ۲. ترویج روحیه پژوهش با تمرکز بر دستاورد های آن،
 ۳. استفاده از تجهیزات جدید مانند: (لپتاپ، ویدئو پرژکتور و...) بعنوان تسهیلگر آموزشی در مدارس،
 ۴. تشویق کردن دانش آموزان برای انجام تحقیق در موضوعات علمی جدید و کسب علم در باره آنها به صورت های مختلف مانند کنفرانس و...

برای هر ساحت توضیحاتی از مقالات و سند تحول آورده شد و خلاصه هدف هر ساحت نیز مشخص شد، راهکار هایی عملی برای به فعل در آوردن این اعمال نیز پیشنهاد شد، تمامی آمالی که سند تحول و تربیت رسمی و عمومی در حال پرورش آن هست بنوعی از زیر قلم معلمان خواهد گذشت و این معلم، ستون آموزش و پرورش است که باید این آمال را درک، هدف

فهرست منابع

- Adham, N. (2011). Management requirements of fundamental transformation in education. [Persian]
- Ataei, J., Mohsenian, F., Dastwar, M., & Askari, A. (2023). Studying the perspective of education and training in the Islamic standard system based on the ultimate goals outlined in the educational theories of Muslim thinkers, the 6th International Conference on Psychology, Educational Sciences and Studies Civilica, Hamedan, <https://civilica.com/doc/1968112>. [Persian]
- Arafi, A., Mousavi, S.N. (2015). Education knowledge; Favorable state of educational sciences. *Journal of Islam and educational research*, third year, number 2. 57. [Persian]
- Dehghanzadeh Baghdadabad, A. (2023). Socio-political education techniques in the first period of childhood. [Persian]
- Dehghanzadeh Baghdadabad, A. (2023). philosophy of education in the Islamic Republic of Iran (in simple language). [Persian]
- Entezari, M.A., Sharifi, A. (2021). Identifying the Characteristics of the Distinguished School in the Education Transformation Document. *Educational Development of Judishapour*. 12 (0), 339-351.
- Farmahini Farahani, M., Hosseinaei, F., Ahmadabadi Arani, N. (2017). Examining the place of Hayat Tayyaba in the document of fundamental transformation and explaining the ways to realize it in education. [Persian]
- Haji Babaei, H.R. (2012). The characteristics of "schools that I like" according to the fundamental transformation document in education. [Persian]
- Jamshidi, T., & Davtalabpour, H. (2021). The role of the document of fundamental transformation of education in the education of all-round students. [Persian]
- Mahdavi Hazare, M., Maleki, H., Mehrmohammadi, M., Abbaspour, A. (2015). Hayat Tayebah, A vision for raising children: A conceptual framework for

کامل، جامع، ازپیش تائین شده و متعالی داشته باشیم باید فلسفه های تربیتی شخصی را از مدارس بیرون بکشیم، این کار باید طی یک سلسله مراحل رخ بدهد که اصلی ترین مرحله بعد از تصویب سند، تبیین گری و روشن سازی آن برای معلمان است تا آنها بجای قالب کردن فلسفه تربیت شخصی خود در مدرسه، فلسفه تربیت و سند تحولی را اجرا کنند که از محتوای آن بخوبی آگاه هستند و طریقه عملی کردن آن را نیز میدانند. اینگونه است که در نهایت میتوانیم آینده ای متعالی و درخشنده برای کشور عزیزمان متصور شویم. در این مقاله نیز سعی شد علاوه بر خاطر نشان کردن یکسری پیش زمینه های مهم و حیاتی برای درک هر چه بهتر مطلب، هر ساحت تربیتی و تعلیمی نام برده شده در سند تحول را کمی توضیح و اهدافی برای آن رسم و راه حلی عملیاتی برای آنها ذکر کنیم، گرچه باز هم ذکر کردن این سری نکات بصورت نظری است، اما گویی با درک دقیق اهداف و تلاش و همت معلمان گرانقدر و زحمت کش این مرز و بوم برای انجام آنها، میتوان تا حدود خوبی به نتیجه متعالی نزدیک شد و گامی رو به جلو برای دستیابی به اهداف و حیات طیبه برداشت.

تشکر و قدردانی

شکر خدای بزرگ و بلند مرتبه که بنده ضعیفش را قدرت تفکر و تعقل بخشید تا تفاوتش را با دیگر موجودات نمایان کند و ارزش و جایگاه او را بر همگان برتری داد، همچنین ما را در طریقی نهاد که سنگینی مسئولیت آن فزون است، اما شیرینی موفقیت در آن زیاد تر از بارمسئولیتش است، سپاس مخصوص خداست و بس که به ما منت نهاد و امثالهم را هم پیشه پیامبر عظیم الشان اسلام قرار داد.

و به رسم ادب تشکر میکنیم از مسئولان برگزار کننده اولین دوره همایش ملی (تربیت تمام ساحتی) که زمینه ای برای روشنایی چراغ نبوغ و خلاقیت معلمان و درامتداد آن نیز باعث تعالی و درخشش آنها میشوند فراهم کرده اند.

همچنین از استاد عزیز و گرانقدر جناب آقای دکتر دهقان زاده که در این تحقیق، دانشجویان خود را کمک شایان و قابل توجهی کرده اند صمیمانه امتنان مندیم. اجرکم عندالله.

تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

Supreme Council of Education and Training (2015). Subsystem program for provision of space, equipment and technology of public formal education and training system, Tehran: High Council of Education and Education. [Persian]

UNESCO Advisory Group. (2011). Translation: Farideh Mashaikh. Publisher: Burhan School Cultural Institute. Print 27. 168 pp. [Persian]

explaining the characteristics of a primary school teacher. Research in Islamic education issues, twenty-fourth year, new period, 30:167-139. [Persian]

Mehrabi, A. (2016). Entrepreneurship in schools. Teacher Development Journal. 36(1). [Persian]

Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution. (2013). Document on the transformation of education and training foundations, Tehran: Supreme Council of Education and Training. [Persian]

Shokohi, Amirabadi, Y., Delawar, A., Abbasi, Saruk, L., & Koshki, S., (2017), analysis of the content of the fundamental transformation of education based on creativity and happiness. [Persian]